




A comparative study of the principle of cooperation regarding the exploitation of shared waters in the treaty and judicial systems of Europe, Africa, Asia and America

Mersedeh Mazloumi¹  | Elham Aminzadeh²

1. Corresponding Author; PhD student, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mersehemazloumi@yahoo.com
2. Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: eaminzadeh@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 59-87</p> <hr/> <p>Received: 2024/01/28 Accepted: 2024/05/15 Published online: 2024/12/10</p> <hr/> <p>Keywords: <i>comparative study, cooperation, water, region, principle.</i></p>	<p>The importance of water resources has doubled the need for multilateral actions by international actors, especially countries. Some regions have faced the challenge of lack of water resources, and others have faced the challenge of a large volume of these waters being unused. Therefore, the issue of achieving a fair and rational solution in the field of common water allocation is taken into consideration; because the said challenge can have adverse effects on current and future generations. For this reason, bilateral or multilateral legal documents and agreements along with executive and judicial procedures located in important regions of the world including Europe, Asia, America and Africa have been examined, and the ways of dividing water resources in order to apply good governance over these resources have been examined and the existing legal gap in the legislative approach. The executive and judicial authorities governing these areas with special attention to the principle of reasonable and fair use, prohibition of harm to others and cooperation between countries in order to provide the highest amount of services to the entire human society have been deduced that all these cases are aimed at reasonable and fair allocation of common water resources. Among the countries located in a watershed, it has been according to the needs of current and future generations. The comprehensive framework of treaties between countries for concluding future agreements is considered as an innovation that can be applied in different parts of the world.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mazloumi, Mersedeh; Aminzadeh, Elham (2024). A comparative study of the principle of cooperation regarding the exploitation of shared waters in the treaty and judicial systems of Europe, Africa, Asia and America. <i>Water and Electricity Law</i>, 1 (1), 59-87.</p>
<p>Publisher</p>	<p>Niroy Research Institute. </p>



حقوق آب و برق

دوره ۵: ۱، شماره ۱
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://ewl.nri.ac.ir>

مطالعه تطبیقی اصل همکاری در خصوص بهره‌برداری از آب‌های مشترک در نظام‌های معاهده‌ای و قضایی مناطق اروپا، آفریقا، آسیا و آمریکا

مرسده مظلومی^۱ | الهام امین‌زاده^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی مقطع دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mersedehmazlumi@yahoo.com

۲. استاد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: eaminzadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	اهمیت منابع آب، ضرورت انجام اقدامات چندجانبه‌ای را توسط بازیگران بین‌المللی به‌ویژه کشورها دوچندان کرده‌است. برخی مناطق، با چالش کمبود منابع آب و برخی دیگر با چالش بلااستفاده‌ماندن حجم وسیعی از این آب‌ها مواجه شده‌اند. بنابراین، مسئله دستیابی به راهکاری منصفانه و منطقی در زمینه بهره‌برداری‌های مشترک مدنظر قرار گرفته؛ زیرا چالش مذکور می‌تواند آثاری نامطلوب برای نسل‌های فعلی و آینده برجای‌نهد. از اینرو اسناد و موافقتنامه‌های حقوقی دو یا چندجانبه به‌همراه رویه اجرایی و قضایی واقع در مناطق مهم جهان شامل اروپا، آسیا، آمریکا و آفریقا مورد بررسی قرار گرفته و شیوه‌های تقسیم منابع آب در جهت اعمال حکمرانی مطلوب بر این منابع مورد بررسی قرار گرفته و خلأ حقوقی موجود در رویکرد معاهده‌ای، اجرایی و قضایی حاکم بر این مناطق با نگاه ویژه به اصل استفاده معقول و منصفانه، منع ورود آسیب به دیگری و همکاری میان کشورها در جهت ارائه بیشترین میزان خدمات به کلیت جامعه انسانی استنباط گردیده که تمامی این موارد با هدف بهره‌برداری معقول و منصفانه منابع آبی مشترک میان کشورهای واقع در یک حوضه آبخیز با توجه به نیازهای نسل‌های فعلی و آتی بوده است. چهارچوب جامع معاهداتی میان کشورها برای انعقاد موافقتنامه‌های آینده نیز با برخورداری از جایگاهی ویژه به‌عنوان یک نوآوری لحاظ شده که در نقاط مختلف جهان می‌تواند قابلیت اعمال بیابد.
صفحات: ۸۷-۵۹	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰	
کلیدواژه‌ها: مطالعه تطبیقی، همکاری، آب، مناطق، اصل.	
استناد	مظلومی، مرسده؛ امین‌زاده، الهام (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی اصل همکاری در خصوص بهره‌برداری از آب‌های مشترک در نظام‌های معاهده‌ای و قضایی مناطق اروپا، آفریقا، آسیا و آمریکا. <i>حقوق آب و برق</i> ، ۱ (۱)، ۸۷-۵۹.
ناشر	پژوهشگاه نیرو.



۱. مقدمه

مدیریت بهینه و صحیح آب‌ها به‌ویژه آب‌های مشترک با لحاظ ویژگی‌های اقلیمی حاکم بر هر یک از مناطق متفاوت بوده است. اتحادیه اروپا در حیطه مدیریت بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، حفظ محیط‌زیست و توسعه برق آبی به پیشرفت قابل توجهی دست یافته و به دلیل برخورداری از نظام حقوقی منطقه‌ای به نحو صحیحی توانسته از عهده به‌کارگیری رویکردهای نظری در مفاد موافقت‌نامه‌ها برآید. این منطقه دارای بیشترین تعداد از رودخانه‌های بین‌المللی و پیچیدگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را واجد یکی از گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌ها در خصوص حاکمیت بر آب‌های مشترک می‌گرداند (European parliament, 2023). در این میان، آلمان نیز به دلیل برخورداری از سیستم مدیریتی یکپارچه به موفقیت چشمگیری در زمینه مدیریت آب‌های فرامرزی نائل شده است (BMUV, 2023). آفریقا با برخورداری از بالاترین درصد جریان‌های آبی فرامرزی، برخی از بزرگترین رودخانه‌های جهان از جمله نیل، کنگو، نیجر، زامبزی، پرتقال و اکوانکو و تعدادی از بزرگترین دریاچه‌های بین‌المللی را داراست. اهمیت بررسی آب‌های مشترک در این منطقه، عدم استفاده کافی از این منابع است. (Wouters, 2013: 8-11). آمریکای شمالی در مدیریت منابع آبی فرامرزی از سابقه‌ای طولانی برخوردار بوده که نهادهایی را در این حوزه تأسیس نموده و میزان بالایی از انعطاف‌پذیری را از خود برز داده است (Neir, Klise, Campana, 2009). همچنین، رودخانه‌های قابل توجهی از آمریکا مرکزی و جنوبی عبور می‌کنند. این مناطق دارای منابع آبی فراوان و تراکم جمعیت کم است، بنابراین سرانه آب موجود در منطقه بالاترین میزان در جهان می‌باشد. مهم‌ترین نمونه‌های همکاری در رودخانه لاپلاتا^۱ و دریاچه تیتیکاکا^۲ برز یافته (Newton, 2007: 66) که در جهت حکمرانی فرامرزی و پایدار پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند. آسیا محل برخی پرکاربردترین رودخانه‌های فرامرزی در جهان است. آسیای جنوبی و جنوب شرقی دارای چهار سیستم حوضه رودخانه‌ای بین‌المللی؛ شامل براهماپوترا، سند، مکونگ و سالوین می‌باشد. اگرچه این حوضه‌ها دارای نوعی همکاری مبتنی بر معاهده هستند؛ اما در مقابله با مشکلات و فشارهای نوظهور ناکام مانده‌اند (Kanwar, Gupta, Newton, 2009). بسیاری از رودخانه‌های بین‌المللی غرب آسیا (خاورمیانه، قفقاز) مانند دجله و فرات و اردن دارای فشارهای انسانی و اقلیمی فراوانی هستند که همکاری‌ها را به دلیل بی‌ثباتی سیاسی در منطقه مختل نموده است (Baranyai, 2015). چین به عنوان «برج آبی» آسیا شناخته می‌شود که به هجده حوضه رودخانه بین‌المللی نزدیک است

1. The La Plata River
2. The Titicaca Lake

که برخی از آنها بزرگترین و پراستفاده‌ترین سیستم‌های آبی جهان را تشکیل می‌دهند. چین نسبتاً غنی از آب است؛ اما به دلیل توزیع جغرافیایی و زمانی نامتناسب، تنها ده درصد مصرف می‌شود. بیش از یک چهارم از آب این کشور به کشورهای پایین‌دستی تخلیه می‌گردد که این کشور با رودخانه‌های پایین‌دستی همکاری انجام نمی‌دهد و از اجرای قوانین و سیاست‌های بین‌المللی آب به‌دورمانده است. بنابراین، چین همکاری محدودی با همسایگان جنوبی خود در حوضه‌های رودخانه‌ای سند، برهماپوترا، سالوین و مکونگ دارد. (Wouters, 2015). برای حل و فصل مشکلات مرتبط با آب‌های فرامرزی و ارائه راهکار باید رویکردهای تقنینی، اجرایی و قضایی مطرح در منطقه آسیا را بررسی نمود.

چالش اصلی آن است که کشورها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک در بسیاری از موارد با تجاوز از حدود حقوق حاکمیتی خود، حقوق حاکمیتی کشور مقابل و در نتیجه حقوق بشر مردم آن را نقض می‌نمایند که این امر منجر به بی‌ثباتی‌های اقلیمی، انسانی، سیاسی و حقوقی در هر یک از مناطق خواهد گردید.

پرسش اصلی آن است که رویکرد حاکم بر مناطق اروپا، آفریقا، آمریکا و آسیا در زمینه بهره‌برداری منابع آبی مشترک چگونه است؟

فرضیه اصلی آن است که در نظام‌های منطقه‌ای مذکور مدیریت و بهره‌برداری از آب‌های مشترک به نحوی است که با روش‌های متنوع و بعضاً با مبانی مشترک انجام شده که قابل استفاده می‌باشد. پرسش فرعی که مطرح می‌گردد آن است که در این مناطق چه اصولی در حوزه بهره‌برداری منابع آبی مشترک مدنظر قرار گرفته است؟

فرضیه فرعی قابل طرح آن است که اصول استفاده معقول و منصفانه و منع ورود آسیب به دیگری تحت لوای اصل کلی همکاری میان کشورها مدنظر قرار گرفته است.

هدف اصلی آن است که منابع آبی مشترک واقع در مناطق مختلف جهان به‌نحو مناسبی مورد توزیع و بهره‌برداری قرار گیرند؛ به‌گونه‌ای که ضمن لحاظ نیازهای نسل‌های فعلی، نیازهای نسل‌های آتی نیز مورد توجه قرار گیرد که در گرو اجرای صحیح اصول استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک و منع ورود آسیب به دیگری است که کلیه اسناد و موافقتنامه‌های حقوقی و رویه قضایی و اجرایی حاکم باید در جهت اجرای صحیح این اصول، اعمال شوند تا ضمن آنکه منابع آبی فعلی را به‌نحو مناسب و صحیحی توزیع کنند و تمامی کشورهای واقع در منطقه را بهره‌مند سازند، بستر مناسبی را برای بهره‌برداری منطقی و عاقلانه از این منابع آبی برای نسل‌های آینده نیز فراهم آورند.

این پژوهش در دو بخش کلی اسناد حقوقی و رویه اجرایی و قضایی در اروپا، آسیا، آمریکا و

آفریقا در خصوص نحوه مدیریت منابع آبی مشترک تحلیل شده و وجوه اشتراک و افتراق این مناطق بررسی شده است. از این طریق می‌توان به راهکارهای حقوقی جامعی دست‌یافت که ضمن تأمین نیازهای نسل‌های فعلی، نیازهای نسل‌های آینده را نیز مورد توجه قرارداد.

۲. اسناد حقوقی

در مباحث ذیل، اسناد حقوقی شامل کنوانسیون‌ها، معاهدات و موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها در اروپا، آسیا، آمریکا و آفریقا در خصوص نحوه بهره‌برداری منابع آبی مشترک تحلیل و راهکارهایی ارائه می‌گردد.

۲.۱. اروپا

در این قسمت، برخی از اسناد اتحادیه اروپا بررسی می‌گردد.

۲.۱.۱. دستورالعمل چهارچوب آب اروپا^۱

سیاست‌های آبی اتحادیه اروپا در حوزه مدیریت آب‌های مشترک، تا حد زیادی مبتنی بر یکپارچه‌سازی است که این امر از طریق همکاری و انجام اقدامات مبنایی توسط کشورهای عضو امکان‌پذیر است. برای ایجاد چارچوبی حقوقی در این خصوص دستورالعمل چارچوب آب به تصویب رسیده که کشورهای عضو باید قوانین یکپارچه‌ای در حوزه برداشت از آب‌های سطحی شیرین و زیرزمینی و ذخیره‌گیری از این منابع به تصویب برسانند و تدابیر نظارتی دقیقی را نیز در جهت اجرای این قوانین ایجاد نمایند. این سند، درصد تحقق انسجام میان قوانین کشورهای عضو؛ به گونه‌ای که از ورود هرگونه آسیب به آب‌های مشترک پیشگیری گردد و این امر به‌عنوان مسئولیت مشترک کلیه دولت‌های عضو این اتحادیه برای بهبود شرایط کمی و کیفی آب قرار گیرد (Salm, 2018). بنابراین، این دستورالعمل باید به اصولی مانند احتیاط، اقدامات پیشگیرانه و مسئولیت جبران توسط دولت آلوده‌کننده توجه نماید (Arthington and others, 2018: 12). این دستورالعمل سند جامعی برای کلیه موافقتنامه‌های منعقد شده دو یا چندجانبه در این حوزه است، لذا کلیه موافقتنامه‌ها باید با این سند تطبیق یابند که این امر منجر به انعطاف‌پذیری در نحوه نگارش

1. Directive 2000/60/EC of the European Parliament and the Council establishing a framework for Community action in the field of water policy (OJ L 327/1 of 22.12.2000), as amended by Decision 2455/2001/EC of the European Parliament and the Council establishing the list of priority substances in the field of water policy (OJ L 331/1 of 12.12.2001).

موافقتنامه‌ها می‌گردد و می‌تواند از بروز اختلافات میان کشورها پیشگیری نماید. (United Nations Economic Commission for Europe, 2021:178). بنابراین انعطاف‌پذیری ضمن اعمال قاعده محوری در بهره‌بردار منابع آب، از دخیل نمودن ملاحظات شخصی پیشگیری می‌نماید.

۲.۱.۲. موافقتنامه میان فنلاند و سوئد در خصوص رودخانه‌های فرامرزی

این موافقتنامه درصدد تحقق فرصت‌های برابر در جهت بهره‌برداری از رودخانه‌ها و پیشگیری از اقدامات آسیب‌زننده به محیط‌زیست است.^۱ همچنین، هر یک از اطراف این سند از حق بر آب به‌طور برابر در خصوص رودخانه‌های فرامرزی برخوردار است. این حق در مواردی که سهم بیشتری از آب در قلمرو یکی از اطراف معاهده در سرزمین آن جریان می‌یابد، نیز اعمال می‌گردد. این امر مانع از برخورداری بیشتر یکی از طرف‌ها براساس قانون خاص و یا تصمیم دادگاه نخواهد بود.^۲ همچنین، سازوکار بین‌الدولی برای مدیریت منابع آبی مشترک در موارد نقض و حل‌وفصل احتمالی اختلافات پیش‌بینی شده که تأسیس کمیسیون رودخانه‌ای فرامرزی میان سوئد و فنلاند^۳ می‌باشد.^۴ همچنین، برای فعالیت‌های فرامرزی، مقررات مندرج در مواد ۱۶ تا ۲۱ این موافقتنامه به‌جای کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست شمال اروپا (نوردیک) منعقد شده که توسط کشورهای نروژ، سوئد، فنلاند و دانمارک در ۱۹ فوریه ۱۹۷۴ اعمال خواهد گردید.^۵ اگر یک دادگاه یا مقام قانونی در کشوری دیگر تصمیم‌گیری نماید، باید به‌گونه‌ای برخورد نماید که گویی موضوع مذکور در کشور خود به‌وقوع پیوسته است.^۶ بنابراین، حق بهره‌برداری توسط هر یک از طرفین این موافقتنامه با شرط عدم ورود آسیب در این موافقتنامه نیز لحاظ شده است که این قاعده قابلیت تعدیل به‌موجب قانون خاص و یا تصمیم دادگاه دارد که اصولاً این تصمیم مبتنی بر نیازهای کشورهای است که در بازه زمانی معینی بنا به شرایطی یکی از دو کشور مذکور مستلزم مقدار بیشتری حبابه می‌باشد. بنابراین، در این سند رویکرد برابری در کنار نیازمحوری به‌صورت توأمان دیده شده که می‌تواند الگویی مناسب در سایر اسناد و موافقتنامه‌ها نیز تلقی گردد.

در مجموع، با توجه به برخی اسناد مورد بررسی در این قسمت درمی‌یابیم که محیط چالش‌برانگیز ژئوپولیتیکی اروپا مستلزم انعقاد معاهدات چندجانبه میان کشورهای است تا تمامی موارد چالش‌برانگیز را

1. Agreement between Finland and Sweden Concerning Transboundary Rivers, 1 October 2010, Article 2.
2. Ibid, Article 3.
3. Finnish-Swedish Transboundary River Commission
4. Ibid, Article 8, 10 and 11.
5. Ibid, Article 15.
6. Ibid, para 16.

لحاظ و از بروز هرگونه اختلاف پیشگیری نماید (European parliament, 2023) که انعطاف فراوانی در پاسخگویی به تهدیدات جدی تحقق می‌یابد.

۲.۲. آسیا

در این قسمت، تحلیل و بررسی برخی از اسناد مهم منطقه آسیا ارائه خواهد گردید.

۱.۲.۲. موافقتنامه آلماتی مصوب ۱۹۹۲

به موجب این موافقتنامه جمهوری‌های استقلال یافته پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ سازمان‌های منطقه‌ای گوناگونی از جمله بنیاد بین‌المللی برای نجات دریای آرال در سال ۱۹۹۲، کمیسیون بین‌الدولی کشورهای آسیای مرکزی برای همکاری در زمینه آب در سال ۱۹۹۳ و شورای بین‌الدولی بستر دریاچه آرال مصوب در سال ۱۹۹۳ را تأسیس نمودند (MFAT, 2018). این موافقتنامه در سال ۱۹۹۲ بر مبنای وابستگی متقابل میان منافع اعضای آن انعقاد یافته است.^۲ طبق ماده ۱ اطراف معاهده در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک دارای حقوقی یکسان و در تضمین بهره‌برداری منطقی از این منابع، دارای مسئولیت برابر نیز می‌باشند.^۳ بنابراین، در صورتیکه اصل تساوی رعایت نگردد، مسئولیت بین‌المللی برای کشورها پدید می‌آید. طبق ماده ۳ نیز کشورها از ورود آسیب و هرگونه اقدامی که منجر به انحراف آب از حجم توافق شده برای هر یک گردد، باید اجتناب نمایند.^۴ بنابراین، علاوه بر اصل تساوی، اصل منع ورود آسیب به هر یک از کشورهای اطراف موافقتنامه نیز باید لحاظ گردد.

در این موافقتنامه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از جمله به روش مذاکره، بهره‌برداری منابع آبی به شیوه تساوی و تناسب، توجه به نیازهای اساسی و حیاتی هر یک از کشورها و اصل منع ورود آسیب به دیگری مورد توجه قرار گرفته؛ اما انتقاد وارده آن است که در مورد بخشی از منابع آب که به مقدار فراوان موجود است؛ اما شیوه بهره‌برداری منطقی و عاقلانه از آن مشخص نیست، راهکاری را تدبیر ننموده است.

1. The Agreement Almaty, 1992
2. The Agreement Almaty, Op.cit, preamble.
3. Ibid, Article 1.
4. Ibid, Article 3.

٢.٢.٢. موافقتنامه میان جمهوری قرقیزستان و جمهوری قزاقستان در خصوص بهره‌برداری از منابع آبی نارین سیردریا در سال ١٢٠٠

جمهوری‌های قرقیزستان و قزاقستان، درخصوص داشتن یک نظام حقوقی هماهنگ برای مدیریت بهینه منابع آب با یکدیگر توافق حاصل نمودند^٢ که در کلیه برنامه‌ریزی‌های بهره‌برداری منابع آبی مشترک اصل تساوی در نظر گرفته شود^٣. همکاری هنگامی می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد که موافقتنامه‌ای حقوقی منعقد شده باشد^٤. حتی در سطحی ضعیف‌تر از موافقتنامه‌های حقوقی، در صورتیکه درخصوص موضوعات مرتبط با آب‌های مشترک جلسات کاری برگزار گردد، جلسات مذکور می‌توانند تا حدی به پیش رفتن بهتر مسائل مرتبط با آب‌های مشترک کمک نمایند^٥. بنابراین، این موافقتنامه نیز با عینیت حقوقی بخشیدن به بحث همکاری در حوزه آب‌های مشترک، اصل تساوی میان طرف‌ها را برای بهره‌برداری منابع آب اصلی مسلم دانسته؛ اما انتقاد وارده آن است که تمرکز خود را صرفاً بر روی اصل تساوی قرارداده؛ درحالیکه ممکن است نیازهای حیاتی و یا وجود تکالیف سنگین‌تر برای یکی از طرفین، دلیلی برای زیادتی حقوق یکی از طرفین بر دیگری در نظر گرفته شود که این امر کاملاً با اصل انصاف نیز سازگار می‌باشد؛ زیرا انصاف همیشه به مفهوم حقوق متساوی نیست؛ بلکه گاهی به مفهوم داشتن حقوق، متناسب با سطح تکالیف و یا وضعیت جغرافیایی، سیاسی، انسانی و حتی تاریخی است. همچنین، اصل بهره‌برداری معقول نیز در این موافقتنامه لحاظ نگردیده؛ زیرا ممکن است به رغم برخورداری کشورها از سهمی منصفانه به دلیل نبود سازوکار برای بهره‌برداری منطقی از منابع تخصیص یافته، مقدار قابل توجهی از این منابع هدربروند و یا بلااستفاده باقی بمانند.

٣.٢.٢. معاهده ایران و افغانستان در خصوص رود هیرمند^٦

شاهد مثالی از توافق در مورد بهره‌برداری از منابع آبی شیرین مشترک، موافقتنامه ١٣٥١ میان ایران و افغانستان می‌باشد که درخصوص چگونگی بهره‌برداری از آب‌های مشترک رودخانه هیرمند منعقد شده است.

1. Agreement between The Government of the Republic of Kazakhstan and The Government of the Kyrgyz Republic On the Use of Water and Energy Resources of the Naryn – Syr Darya Cascade of Reservoirs in 2000
2. Ibid, preamble
3. Ibid, Article 1.
4. Ibid, Article 9.
5. Ibid, Article 10.
6. The Afghan-Iranian Helmand-river water treaty, 13 March 1973.

در ماده ۵ این معاهده افغانستان متعهد شده که مرتکب اقدامی نشود که ایران را به صورت کلی یا جزئی از حبابه هیرمند محروم سازد^۱. طبق ماده ۶ نیز افغانستان از هر اقدامی که موجب نامساعد شدن آب زراعت در ایران شده باشد، منع شده است. همچنین طبق ماده ۱۱ در وضعیت خشکسالی مدهش (شدید) یا فورس ماژور، کمیساریای طرفین باید با یکدیگر رایزنی کنند^۲ و طرحی مشترک را برای رفع یا تخفیف آثار پیش‌آمده ارائه نمایند.

۳.۲. آمریکا

در این قسمت نیز برخی از اسناد مهم منطقه آمریکا بررسی خواهد گردید.

۳.۲.۱. اعلامیه بهره‌برداری کشاورزی و صنعتی از رودخانه‌های بین‌المللی مصوب سال ۱۹۳۳^۳

کشورهای آمریکای لاتین «اعلامیه بهره‌برداری کشاورزی و صنعتی از رودخانه‌های بین‌المللی» را در کنفرانس هفتم میان-آمریکایی مونته‌ویدئو در سال ۱۹۳۳ به تصویب رسانده‌اند. اگرچه این اعلامیه در حوزه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک کاربرد فراوانی داشته؛ اما به تصویب کنوانسیون رسمی منجر نشده است. این اعلامیه بر اصل «استفاده منطقی برای اجتناب از ورود خسارات محسوس به عضو دیگر در حوزه رودخانه‌های فرامرزی» تأکید می‌ورزد که کشورها نیز این اصل را در توسعه منابع آبی مشترک مدنظر قرار داده‌اند. با تشکیل بازار مشترک جنوبی^۴ و حرکت به سمت یکپارچگی اقتصادی، این اعلامیه و اصل مهم مندرج در آن در راستای مدیریت بهینه منابع آبی مشترک به میزان بیشتری مورد توجه قرار گرفت که منشأ تصویب بسیاری از موافقتنامه‌های حقوقی بوده؛ به گونه‌ای که در آمریکای لاتین نمونه‌های حقوقی متنوعی از قرارداد در حوزه حقوق آب‌های مشترک انعقاد یافته (Terencer, 1995: 544) که اصل انصاف و منع ورود زیان نیز در آن راه یافته است.

۳.۲.۲. معاهده ریودو لاپلاتا مصوب ۳ آوریل ۱۹۶۹

این معاهده در صدد یکپارچه‌سازی آب‌های واقع در حوضه آبی پلاتاست تا میان آرژانتین، بولیوی،

۱. قانون معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان، ۱۰ مردادماه ۱۳۵۲، ماده ۵.

۲. همان، ماده ۱۱.

3. Declaration of Montevideo concerning the industrial and agricultural use of international rivers, (on 24 December 1933).

4. The southern common market (Mercosur)

برزیل، پاراگوئه و اروگوئه به نحو منصفانه‌ای توزیع گردد. اطراف این معاهده تعهد می‌کنند که در خصوص حوضه آبی پلاتا اسنادی قانونی و رویه‌هایی اجرایی را تصویب نمایند تا در یانوردی موجود در منطقه تسهیل یابد و زمینه بهره‌برداری منطقی از این منابع آبی فراهم گردد.^۱ این امر نشان می‌دهد که یکی از شیوه‌های تخصیص، تصویب اسناد و ایجاد رویه‌هایی اجرایی برای بهره‌برداری منطقی است. معاهده حاضر، با تصریح واژه «بهره‌برداری منطقی»^۲ در صدد این نکته است که انصاف در بهره‌برداری منابع آبی الزاماً به مفهوم تساوی نیست؛ بلکه بهره‌برداری منطقی آب با لحاظ عواملی چون نیازهای اساسی کشورهای ذینفع، پیشینه تاریخی و جمعیت آنها تعیین می‌گردد. همچنین، برای تحقق هماهنگی و هدایت فعالیت‌ها کمیته هماهنگ‌کننده بین‌الدولی^۳ تأسیس شده^۴ که این کمیته با پیدا کردن نقاط اشتراک و افتراق میان کشورهای ذینفع، در صدد کاهش حداکثری تفاوت‌ها و افزایش حداکثری شباهت‌ها برآمده است.

تهیه قراردادهای چهارچوب دو یا چندجانبه میان کشورهای همسایه که منشأ انعقاد بسیاری از قراردادهای فرعی قرار می‌گیرند، نیز می‌تواند به عنوان راهکاری حقوقی مدنظر قرار گیرد. این قرارداد، بستر روابط حقوقی طرفین را برای آینده و در بازه طولانی مدت تعیین می‌کند که نحوه انعقاد قراردادهای آینده، شرایط اجرای تعهدات و تضمین اجرای آنها را نیز تعیین (شیروی، نیکویی، ۱۳۹۶: ۵۵) و راهکاری حقوقی ارائه می‌کند. سپس، تصویب و تدوین اسناد و دستورالعمل‌ها و رویه‌ها به همراه تأسیس کمیته مشترک میان اعضا از روش‌های مناسب بهره‌برداری منابع آبی مشترک می‌باشد که بهره‌برداری منطقی از این منابع آبی را فراهم می‌آورد.

در نهایت باید به اصل استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک به عنوان یک قاعده مهم حقوق بین‌الملل عرفی که در اسناد بین‌المللی گوناگون از جمله مجموعه قواعد هلسینکی مصوب سال ۱۹۶۶^۵، کنوانسیون هلسینکی مصوب سال ۱۹۹۲ برای حفاظت و استفاده از منابع آبی و دریاچه‌های بین‌المللی^۶، کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراهه‌های بین‌المللی^۷ و مجموعه قواعد برلین سال ۲۰۰۴^۸ گنجانده شده، جامه عمل پوشانده شود؛ به گونه‌ای که

1. The Rio de la Plata, 3 April 1969, Article 1.

2. rational use

3. Intergovernmental Coordinating Committee.

4. Ibid, Article 2.

5. Helsinki Rules, 1966.

6. The Convention on the Protection of the Marine Environment of the Baltic Sea Area (Helsinki convention), (1922).

7. The Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, commonly referred to as the UN Watercourses Convention, is an international treaty, adopted by the United Nations on 21 May 1997

هر دولت واقع در حریم رودخانه، مشمول سهمی معقول و منصفانه در استفاده از آب‌های مشترک قراربگیرد. استفاده منصفانه ناظر بر بهره‌برداریو توزیع منابع آبی مشترک و منافع حاصل از آن میان کشورهای ساحلی است؛ اما استفاده معقول به چگونگی استفاده از منابع آبی مشترک اشاره دارد و بیانگر این است که برای چه منظور از آب استفاده می‌شود و چه مقداری برای استفاده در شرایطی منصفانه، منطقی است (زمانی، برلیان، ۱۴۰۱: ۱۱ و ۱۲). بنابراین، تمامی معاهدات و موافقتنامه‌ها باید در جهت اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه در بهره‌برداریمنابع آبی انعقاد یابند. از جمله مواردی که می‌تواند به این اصل ماهوی و بالتبع، استفاده منع آسیب به دیگری تحقق ببخشد، پایبندی کشورها به مجموعه‌ای از اصول شکلی از جمله همکاری، ارزیابی زیست محیطی، اطلاع‌رسانی و مشورت با کشورهای آسیب‌دیده است (امینی، عابدی، نساری، ۱۴۰۲: ۱۱ و ۱۲). بنابراین، توجه به اصول شکلی میان کشورهای واقع در منطقه پیش شرط مناسبی جهت تحقق اصول استفاده معقول و منصفانه و بالتبع، منع آسیب به دیگری به‌شمار می‌رود.

۴.۲. آفریقا

در این قسمت برخی از اسناد مهم منطقه آفریقا تحلیل خواهدگردید.

۴.۲.۱. موافقتنامه دوجانبه میان نامیبیا و آفریقای جنوبی در خصوص رودخانه اورنج^۱

رودخانه اورنج از سال ۱۸۹۰ مرز میان جمهوری آفریقای جنوبی و نامیبیا را تشکیل می‌دهد. طبق موافقتنامه‌ای مقرر شده تا نامیبیا از حق دسترسی مستقیم نسبت به این رودخانه برخوردار باشد و این تعهد نقض نگردد (Turton et al., 2004, pp. 99 and 100). برای حل و فصل اختلافات این حوزه نیز، پروژه آبی سرزمین‌های بلند لسوتو^۲ تأسیس شد و آفریقای جنوبی قسمت عمده‌ای از هزینه این نهاد را تأمین نموده است. این پروژه درصدد است تا در جریان فرآیند انتقال آب و تولید انرژی توسعه کشورها را در نظر بگیرد. سند مؤسس این نهاد یک معاهده دوجانبه میان نامیبیا و آفریقای جنوبی مصوب اکتبر ۱۹۸۶ بوده^۳ که هر یک از دو کشور عضو، سازمان اجرایی مستقلی را تأسیس نمودند. در لسوتو مقام توسعه سرزمین‌های بلند لسوتو^۴ و در جمهوری آفریقای جنوبی مقام تی‌سی تی^۵ بر

1. Berlin Rules, 2004.

2. Bilateral agreement between Namibia and South Africa regarding the Orange river

3. The Lesotho Highlands Water Project (LHWP)

4. Turton, Op.cit, p. 274

5. The Lesotho Highlands Development Authority (LHDA)

6. The Trans-Caledon Tunnel Authority (TCTA)

ساختار و عملیات سیستم مذکور و نیز مدیریت مالی و اعتباری آن نظارت دارند^۱. نهاد ویژه این پروژه که به حل و فصل اختلاف می‌پردازد، کمیسیون آبی سرزمین‌های بلند لسوتو^۲ است^۳. اگر اختلافی از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، این نهاد توسط یک هیئت داوری موقت متشکل از سه عضو به حل و فصل می‌پردازد. در صورت عدم توافق، نظر رئیس این کمیسیون تعیین کننده خواهد بود^۴. بنابراین، با انعقاد معاهده‌ای دوجانبه زمینه تأسیس نهادی برای حل و فصل اختلاف به شیوه داوری فراهم گردید که مختص مناقشات حوزه رودخانه مشترک میان نامیبیا و آفریقای جنوبی است.

۲.۴.۲. موافقتنامه زامکام^۵

رودخانه زامبزی^۶ چهارمین رودخانه بزرگ آفریقا است که در ساحل آنگولا، بوتسوانا، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه قرارداد (Scheumann and Neubert, 2006, p.33). در آغاز همکاری‌های فرامرزی در خصوص رودخانه زامبزی هنگام استعمار، سازمان رودخانه زامبزی^۷ با مسئولیت مشترک زامبیا و زیمبابوه به عنوان مهمترین کشورهای ساحلی این رودخانه تأسیس شد^۸ که دستیابی به حداکثر میزان مزایای طبیعی آب رودخانه زامبزی به منظور توسعه اقتصادی، صنعتی و اجتماعی دو کشور و بهبود وضعیت آب جهت تولید انرژی مدنظر قرار گرفت^۹. سند مؤسس این سازمان، موافقتنامه سازمان رودخانه زامبزی است که هیچ مکانیزی به منظور حل و فصل اختلاف ارائه نمی‌دهد. براساس ماده ۳۲ این موافقتنامه اختلافات میان طرفین باید به یک داور یا هیئت داوری یا کمیسیونی که توسط طرفین تشکیل شده، واگذار شود که آراء مذکور برای طرفین الزام‌آور است (Scheumann and Susanne, 2006, p. 37). در مه ۱۹۸۷ بوتسوانا، موزامبیک، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه برنامه اقدام برای مدیریت سالم زیست‌محیطی سیستم رودخانه مشترک زامبزی را در قالب معاهده زامکام تصویب نمودند که این امر زمینه‌ساز تأسیس سازمان زامکام قرار گرفت. سپس، آنگولا، مالاوی و نامیبیا نیز به آن الحاق یافتند (Scheumann and Neubert, Op.cit., p. 39) که کشورهای عضو خود را به اصول متعددی از جمله توسعه پایدار^{۱۰}، استفاده پایدار^{۱۱}، پیشگیری

1. LHWP Treaty 1986, Articles 7 and 8.
2. Lesotho Highlands Water Commission (LHWC)
3. LHWP Treaty 1986, Article 16
4. LHWP Treaty 1986, Articles 16, (15) (b)
5. Zamcom Agreement
6. Zambezi river
7. The Zambezi River Authority (ZRA)
8. Ibid, p. 35.
9. ZRA Agreement 1987, preamble.
10. sustainable development

از ورود آسیب^۲، احتیاط^۳، برابری بین نسلی^۴، ارزیابی تأثیرات فرامرزی^۵، همکاری^۶ و استفاده معقول و منصفانه^۷ متعهد ساخته‌اند (Scheumann and Neubert, Op.cit., p. 28). طبق ماده ۵ طرفین باید جهت اجتناب از اختلافات و مساعدت برای حل و فصل آنها اقدامات مقتضی به عمل آورند. طبق ماده ۱۶ نیز در صورت بروز اختلاف بنا به درخواست هر یک از کشورها ابتدا مذاکره و رایزنی می‌نمایند و سپس، تحقیقات تخصصی توسط کمیسیون حقیقت‌یاب آغاز می‌گردد^۸. براساس موافقتنامه زامکام کشورهای عضو باید اطمینان حاصل نمایند که عموم مردم در منطقه‌ای که تحت تأثیر یک برنامه، پروژه یا فعالیت پیشنهادی قرار می‌گیرند، فرصت اظهارنظر یا اعتراض در مورد آن را نیز می‌یابند^۹. اگر از این طریق توافقی حاصل نگردد، امکان طرح اختلاف در جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)^{۱۰} وجود دارد. اختلافات میان سازمان زامکام و یکی از کشورهای عضو نیز در این مرجع مطرح می‌گردد. همچنین، هر یک از کشورهای عضو باید در خصوص هرگونه فعالیت، پروژه و یا عملیات در خصوص مسیر آب رودخانه به دبیرخانه کمیسیون گزارش دهند (Scheumann and Neubert, 2006, p. 42). بنابراین، معاهده زامکام برخلاف موافقتنامه مؤسس سازمان رودخانه زامبزی جنبه‌های متعددی از مسئله حل و فصل اختلاف لحاظ و برای آنها راهکارهایی حقوقی ارائه نموده است.

۳. رویه قضایی و اجرایی

در مباحث ذیل، رویه‌های اجرایی و قضایی کشورها در اروپا، آسیا، آمریکا و آفریقا در خصوص بهره‌برداری آب‌های مشترک بررسی و راهکارهایی بیان می‌گردد.

۳.۱. اروپا

در این قسمت برخی سازوکارهای اجرایی که توسط اروپا اتخاذ گردیده و یا آرائی که توسط محاکم قضایی صادر شده، بررسی خواهد گردید.

1. sustainable utilization
2. prevention of harm
3. precaution
4. intergenerational equity
5. assessment of trans frontier impacts
6. cooperation
7. equitable and reasonable utilization
8. ZRA Agreement 1987, Article 16.
9. Zamkom Agreement, Article 16
10. Southern Africa Development Community (SADC)

۱.۱.۳. قضیه کمیسیون اروپایی علیه آلمان

شکایت کمیسیون اروپایی علیه آلمان به دلیل نقض دستورالعمل ۷۵/۴۴۰ در مورد «کیفیت مورد نیاز آب‌های سطحی در نظر گرفته شده، برای برداشت آب آشامیدنی در کشورهای عضو»^۱ نزد دیوان دادگستری اروپا مطرح شد. طبق ادعای کمیسیون، آلمان تعهد به طبقه‌بندی کیفی آب در سه سطح حفظ سطوح کمی، برنامه‌ریزی و اطلاع‌رسانی را نقض نموده است (ECJ Rep, 1991: para. 3).

براساس ادعای کمیسیون، آلمان طبقه‌بندی صحیحی در خصوص تصفیه آب ارائه نداده است. در مقابل، براساس اظهارات آلمان، طبقه‌بندی آب‌ها در زمان مقتضی انجام شده است (ECJ Rep, 1991: para. 12). دیوان به استناد ماده ۲ این دستورالعمل متذکر شد که باید متن سند لحاظ گردد. بنابراین، ضرورتی وجود ندارد تا کشورهای عضو تعهدات جداگانه‌ای را انجام دهند؛ بلکه در صورتیکه کشورها اقدامات مربوط به تصفیه آب‌های سطحی را انجام دهند، تعهد خود را ایفا نموده‌اند (ECJ Rep, 1991: para. 8). بنابراین، دیوان با ادعای کمیسیون هم‌راستا است. ادعای کمیسیون در این خصوص به ناکارآمدی سیستم فدرال آلمان اشاره دارد.^۲ به‌زعم دیوان، طبق بند ۱ ماده ۸ ضرورت ارائه اطلاعات توسط آلمان به کمیسیون وجود داشته که مورد تبعیت قرار نگرفته است (ECJ Rep, 1991: para. 35). بنابراین براساس حکم صادره در اکتبر ۱۹۹۱ آلمان ملزم شد تا از دستور دیوان مبنی بر ارائه یک طرح نظام‌مند برای طبقه‌بندی کیفی آب و افشای کامل اطلاعات پیروی نماید. با اینحال، مشکل اساسی آنجا بود که آلمان دارای قانون فدرال در خصوص مدیریت آب بوده؛ درحالی‌که لندر به‌عنوان یکی از ایالات آن مقررات خاصی تصویب نکرده بود؛ درحالی‌که هر یک از ایالات علاوه بر تصویب قانون، برنامه‌های نظام‌مندی را در خصوص بهبود کیفیت آب بایدارائه‌دهند (ECJ Rep, 1991: para. 2). تعهد به طبقه‌بندی کیفی آب از سوی دولت‌های حوضه آب‌های سطحی از این نکته مهم برمی‌آید که این آب‌ها مشترک می‌باشند که این امر همان‌گونه که برای دولت‌ها حقوق می‌آفریند، تعهد آفرین نیز می‌باشد.

۲.۱.۳. قضیه سازمان چتر حمایت از طبیعت و محیط زیست آلمان علیه جمهوری فدرال آلمان

در ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ سازمان چتر حمایت از محیط زیست^۳ دادخواستی را به طرفیت جمهوری فدرال آلمان^۴ نزد آژانس فدرال حفاظت از محیط زیست آلمان به‌ثبت رساند. این سازمان به‌دنبال ممنوعیت

1. European Council, concerning the quality required of surface water intended for the abstraction of drinking water in the Member States, Directive. (16 June 1975).

2. Pursuant to federal framework law on the management of water resources .

3. Deutscher Naturschutzring—Dachverband der deutschen Natur-und Umweltschutzverbände eV

4. Bundesrepublik Deutschland

روش‌های ماهیگیری دریایی با استفاده از وسایل ماهیگیری بود که این وسایل به کف دریا و تورهای ثابت برخورد می‌کنند. ممنوعیت مذکور به عنوان اقدامی پیشگیرانه در مفهوم بندهای ۱۱ و ۱۲ ماده ۲ دایرکتیو ۲۰۰۴/۳۵ بوده است (ECJ Rep, 2018: para. 23). با تصمیم آژانس در تاریخ ۲۹ اکتبر سال ۲۰۱۴ دادخواست سازمان چتر حمایتی مورد استماع قرار نگرفت^۱. بنابراین، سازمان دادخواست خود را علیه تصمیم آژانس نزد دادگاه اداری آلمان^۲ مطرح کرد^۳. آژانس نیز در لایحه دفاعی خود نزد این دادگاه اداری اظهار نمود که بنا به دلایل صلاحیتی نمی‌تواند در خصوص موارد ارجاعی توسط سازمان اقدامی نماید؛ زیرا طبق قسمت د از بند ۱ ماده ۳ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا^۴ این صلاحیت به نحو انحصاری به اتحادیه اروپا تعلق دارد. ماده ۱۱ مقرر ۱۳۸۰/۲۰۱۳ نیز به کشورهای عضو اتحادیه اروپا اختیاری دهد تا اقدامات معینی را اتخاذ نمایند؛ اما از آنجا که چنین اقداماتی ممکن است بر کشتی‌های ماهیگیری سایر کشورهای عضو تأثیر گذارد، طبق همان ماده اقدامات ممکن است فقط توسط کمیسیون اتخاذ گردد (ECJ Rep, 2018: para. 26).

درحقیقت، کمیسیون اروپایی به نمایندگی از کشورهای اروپایی می‌تواند اقدام کند.

با توجه به اینکه ادعا فقط در صورتی قابل دفاع است که جمهوری فدرال آلمان و نه کمیسیون بتواند اقدامات درخواستی توسط خواهان را مورد اتخاذ قرار دهد، دادگاه اداری آلمان تصمیم گرفت که رسیدگی خود را متوقف و پرسش‌های ذیل را به دیوان دادگستری اروپا برای صدور رأی بدوی ارجاع نماید:

آیا ماده ۱۱ مقرر شماره ۱۳۸۰/۲۰۱۳ در ارتباط با آب‌های تحت صلاحیت یا حاکمیت کشورهای عضو از ویژگی بازدارندگی برخوردار است؟ این پرسش از آنجا مطرح می‌گردد که بهره‌برداری از آب‌های تحت صلاحیت یا حاکمیت و منافع حاصل از این آب‌ها ممکن است بر کشتی‌های ماهیگیری سایر کشورهای عضو تأثیر داشته باشد.

همچنین، پرسش دوم آن است که آیا این ماده در صورت استفاده کشورها از وسایل ماهیگیری که به بستر دریا و تورهای ثابت برخورد می‌کنند، بر ماهیگیری تجاری دریایی ممنوعیتی کلی بار می‌کند؟

پاسخ به پرسش‌های مذکور، طبق رویه مستلزم تفسیر است که تفسیر در خصوص حقوق اتحادیه اروپا توسط یک دادگاه ملی قابلیت ارجاع به دیوان دادگستری اروپا دارد. دیوان نیز تنها در مواردی

1. Ibid, para 24.

2. Verwaltungsgericht Köln

3. Ibid, para 25.

4. Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU).

که کاملاً بدیهی است که تفسیر حقوق اتحادیه اروپا هیچ ارتباطی با حقایق واقعی دعوای اصلی یا اهداف آن ندارد، ممکن است از صدور رأی در مورد پرسشی که توسط دادگاه ملی ارجاع شده، خودداری ورزد (ECJ Rep, 2018: para. 29). بنابراین، دیوان دادگستری اروپا، اقدام به تفسیر حقوق اتحادیه اروپا می‌کند.

در خصوص پرسش نخست که در صدد تبیین اقدامات بازدارنده برای کشورها در بهره‌برداری از آب‌هاست؛ دادگاه ملی از دیوان دادگستری اروپا درخواست تفسیر می‌کند که در صدد است تا تبیین شود که آیا ماده ۱۱ مقرر شماره ۱۳۸۰/۲۰۱۳ به عنوان اقدامات بازدارنده برای دولت‌های عضو در رابطه با آب‌های تحت صلاحیت یا حاکمیت به منظور انجام تعهدات دولت‌های عضو براساس ماده ۶ دستورالعمل شماره ۹۲/۴۳ می‌باشد؟ در خصوص تفسیر پرسش دوم نیز باید این نکته را شفاف نماید که ماهیگیری با استفاده از وسایلی که به بستر دریا و تورهای ثابت برخورد می‌کنند، چه تأثیری بر سایر دولت‌های عضو دارد؟

براساس تفسیر دیوان دادگستری اروپا از بند ۱ ماده ۱۱ مقرر شماره ۱۳۸۰/۲۰۱۳ دولت‌های عضو باید به گونه‌ای اقدام نمایند تا بر بهره‌برداری از آب‌های تحت صلاحیت یا حاکمیت مانند حوزه ماهیگیری سایر دولت‌های عضو تأثیر نگذارد و به اهداف مقرر در بند ۴ ماده ۱۳ دستورالعمل شماره ۹۲/۴۳، ماده ۴ دستورالعمل شماره ۲۰۰۹/۱۴۷ و ماده ۶ دستورالعمل شماره ۹۲/۴۳ جامعه عمل پوشانده شود و اهداف مقرر در حقوق اتحادیه اروپا نیز تأمین گردد (ECJ Rep, 2018: para. 33).

این پرونده معطوف به درخواست تفسیر از دیوان دادگستری اروپا در خصوص نحوه بهره‌برداری کشورها از آب‌های تحت صلاحیت است که نباید به بهره‌برداری سایر کشورهای عضو خسارتی وارد آید. این امر که راجع به کشتی‌های ماهیگیری و عملیات صیادی صدق می‌کند، در خصوص سایر موارد مرتبط با بهره‌برداری از آب‌های تحت صلاحیت نیز مصداق می‌یابد. اگر کشورها این اصول را رعایت نمایند، می‌توانند متناسب با سواحل در اختیار، بهره‌مند گردند. تنها هنگامی محدودیت ایجاد می‌گردد که استفاده کشورها احتمال ورود خسارت به سایر دولت‌های عضو را در پی داشته باشد.

۲.۳. آسیا

در این قسمت رویه اجرایی آسیا در بهره‌برداری منابع آبی مشترک بررسی می‌گردد.

کمیت و کیفیت آب ایجاد شده تا برای پیشگیری و مقابله با مشکلات احتمالی کمک نماید؛ اما پیاده سازی ابتکارات زیست محیطی در مدیریت منابع آبی به دلیل سیاست های داخلی متفاوت هر کشور در بحث مسائل زیست محیطی، تغییرات آب و هوایی و تقاضای فزاینده جمعیت برای مصارف آب پیچیده ترمی شود. بنابراین، سازمان های متعددی در مدیریت آب های مشترک تأسیس شده که با انعقاد موافقتنامه ها و معاهدات متفاوت رقابت و چالش میان کشورها را به همکاری سازنده میان آنها مبدل ساخته اند (Vishwanath, 2018). بنابراین، به کارگیری نهادهایی برای بررسی موضوع و تأسیس سازمان هایی برای جهت دهی همکاری ها در قالب تعهدات لازم الاجرا می تواند برای کاهش سطح مناقشات مؤثر باشد.

۳.۳. آمریکا

در این قسمت برخی دعاوی مورد بررسی قرار می گیرد و راهکارهای هر یک برای بهره بردار منابع آبی مشترک استنباط می گردد.

۳.۳.۱. دعوی میان ایالت ویومینگ و کلرادو

رودخانه لارامی^۱ میان دو ایالت ویومینگ و کلرادو جریان داشته که به دلیل انحراف آب این رودخانه توسط کلرادو، ویومینگ به طرفیت کلرادو نزد دیوان عالی ایالات متحده آمریکا طرح دعوا نمود. دیوان نیز در سال ۱۹۲۲ براساس اصل منع ایراد آسیب به دیگری و رعایت اصل انصاف میان آنها، اقدام کلرادو را ناقض اصل تناسب اعلام کرد (U.S. Supreme Court, 1922, paras 3-11). در این پرونده نیز دو اصل منع ورود آسیب و اصل تناسب مورد توجه واقع شده است. تناسب به مفهوم برابری حقوق نیست؛ بلکه هر طرف باید به قدری از حقوق برخوردار گردد که با شرایط وی، متناسب باشد که تناسب با معیارهای گوناگونی از جمله جمعیت، نیازهای اولیه و حتی شرایط اضطراری تعیین می گردد.

۳.۳.۲. دعوی میان ایالات واقع در آرژانتین

دیوان عالی دادگستری آرژانتین در دسامبر ۱۹۸۷ رأی نهایی خود را در خصوص نخستین پرونده های مربوط به رودخانه های مشترک صادر نمود (The Supreme Court of Argentina, 1987: para 12). رودخانه آتوئل در پرونده لاپامپا علیه مندوسا^۲ توسط دیوان به عنوان رودخانه ای بین ایالتی

1. Laramie river

2. Atuel

شناسایی شده و طبق ادعای لاپامپا، مندوسا قطعنامه ۵۰/۴۹ را در خصوص آب و انرژی الکتریکی نقض نموده است (The Supreme Court of Argentina, 1987: para 1). خصوصیات این پرونده، ایجاب می‌کند تا به دیوان اختیارات گسترده‌ای اعطا گردد و قوانین قابل اجرا در پرونده؛ یعنی قانون اساسی، قانون کشور فدرال، قوانین عرفی و یا قواعد حقوق بین‌الملل را با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه اعمال نماید (The Supreme Court of Argentina, 1987: para 2). مشابه این

راه حل در قضیه مربوط به تحدید حدود مرز دریایی در ناحیه خلیج ماین نیز مقرر شده است.

شعبه دیوان در این قضیه در رأی خود با چهار رأی در مقابل یک رأی، تصمیم ذیل را اتخاذ نمود:

«مرز دریایی تفکیک کننده منطقه فلات قاره با منطقه انحصاری اقتصادی واقع در سرزمین‌های کانادا و ایالات متحده آمریکا در موافقتنامه ویژه میان دو کشور در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۷۹ مقرر شده و از طریق خطوط هندسی با مختصات مشخص تعیین گردیده است.» بنابراین، شعبه دیوان تعیین دقیق ویژگی‌های جغرافیایی خلیج ماین را که در آن تحدید حدود باید صورت پذیرد، امری اجتناب‌ناپذیر دانست. رأی دیوان در این دو پرونده بر ویژگی طبیعی مرز دریایی تأکید داشته که می‌توان به نحو منصفانه تری سهم هر یک از کشورهای حوضه آبخیز مورد نظر را تعیین نمود.

از اینرو پیشنهاد می‌گردد که حقوق به‌عنوان «هست» و منصرف از «آنچه که باید باشد» انگاشته شود. درحقیقت، حقوق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از واقعیت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های مختلف آن از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب، اخلاق، آب‌وهوا و محیط جغرافیایی است. این اندیشه مونتسکویی مدل مکتب حقوق طبیعی مدرن را ارائه می‌دهد که بسته به طبیعت انسان‌ها در هر سرزمینی متفاوت است و بنابراین نمی‌توان برای آن قائل به رویکرد جهانشمولی مشابه طرفداران مکتب حقوق طبیعی سنتی بود (شهابی، ۱۴۰۱: ۸۸). بنابراین، حقوق ناظر بر آب‌های مشترک نیز باید با توجه به طبیعت انسان‌های واقع در هر سرزمین با تمامی ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی آن منطقه وضع گردد.

۳.۴. آفریقا

در این قسمت برخی پرونده‌ها در حوزه بهره‌برداری منابع آبی مشترک ارائه خواهد گردید.

۳.۴.۱. پرونده مربوط به جزیره کسکیلی/سدودو میان بوتسوانا علیه نامیبیا

نامیبیا و بوتسوانا با توافق مشترک مصوب ۱۷ مه ۱۹۹۶، از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کردند تا در خصوص حوزه‌های تحت نفوذ آنها براساس قواعد و اصول کلی حقوق بین‌الملل

تصمیم‌گیری نماید (ICJ, 1999, paras 1-3). تاریخچه اختلاف میان این دو سرزمین به قرن ۱۹ و به اختلاف میان قدرت‌های استعماری اروپایی آلمان و بریتانیا برای تقسیم آفریقا بازمی‌گردد که معاهده‌ای میان این دو کشور اروپایی در ۱ ژوئیه ۱۸۹۰ برای تحدید حدود مناطق تحت سلطه آنها انعقاد یافته است (Ibid, para 64). دیوان متذکرمی شود پس از رفع استعمار قدرت‌های اروپایی از این دو کشور آفریقایی و براساس معاهده ۱۸۹۰ بوتسوانا مدعی مالکیت بر جزیره بوده است. طبق استدلال نامیبیا به دلیل تصرف مستمر و انحصاری بر جزیره کاسیکیلی و اعمال صلاحیت قضایی، از حق قانونی بر جزیره برخوردار شده است (Ibid, para 90). دیوان تصریح می‌کند که از آن تقاضا شده تا مرز میان نامیبیا و بوتسوانا را در اطراف جزیره براساس معاهده منعقد شده میان انگلیس و آلمان در ۱ ژوئیه ۱۸۹۰ و قواعد و اصول عام حقوق بین‌الملل تعیین نماید. تفسیر دیوان از بند ۲ ماده ۳ معاهده ۱۸۹۰ آن است که مرز میان بوتسوانا و نامیبیا در جزیره با توجه به عمیق‌ترین قسمت رودخانه ایجاد می‌شود (Ibid, para 100). به زعم دیوان در کانال جنوبی جزیره، اتباع و کشتی‌های بوتسوانا و نامیبیا باید مشمول شرایط و حمایت‌های زیست‌محیطی یکسانی قرار بگیرند (Ibid, para 103). براساس نظریه جداگانه قاضی کروما نیز باید یک اصل مهم^۱ در نظام حقوقی آفریقا در خصوص مرزهای کشورها در نظر گرفته شود (ICJ, 1999, p. 2) که در رویکردی سنتی ریشه دارد و برای سرزمین قائل به مالکیت است؛ زیرا اگرچه ریشه این اصل هر شخص را مالک آن چیزی می‌داند که در سیطره آن قرار دارد، این مفهوم طی زمان و با تشکیل دولت‌های وستفالیایی و قائل شدن حاکمیت برای کشورها تغییر و تحول یافت. بنابراین، دولت‌های تازه استقلال یافته باید مرزهای داخلی پیشین یک سرزمین را حفظ نمایند؛ به گونه‌ای که مرزبندی داخلی را پس از استقلال سرزمین، به یک مرز بین‌المللی تبدیل نماید. بنابراین، پس از استقلال این دو سرزمین آفریقایی از دو کشور اروپایی، مرزها باقی می‌مانند و هر یک از این دو سرزمین، صاحب مرزی خواهند بود که پیش از استقلال نیز موجود بوده است. بنابراین، با توجه به اصل ثبات مرزها می‌توان گفت تقسیم جزیره و کانال‌های شمالی و جنوبی آن نیز از همان روش قبلی پیش از استقلال پیروی می‌کند.

طی این پرونده که هدف اصلی طرفین، تعیین مرز میان دو کشور در جزیره و کانال‌های شمالی و جنوبی تابعه آن بوده؛ می‌توان به این نتیجه دست یافت که یکی از معیارهای تعیین مرز رعایت انصاف و رفتار برابر میان اتباع دو کشور به لحاظ کشتیرانی و بهره‌برداری از آب‌های مشترک بوده است. همچنین، طبق نظر دیوان برای تقسیم آبراهه‌ها از معیار عمیق‌ترین بخش رودخانه باید بهره‌برد.

1. principle of uti possidetis

۲.۴.۳. برنامه منطقه‌ای اقدام برای پیشگیری و مبارزه با ماهیگیری غیرقانونی در خصوص**دریاچه ویکتوریا^۱**

دریاچه ویکتوریا میان تانزانیا، اوگاندا و کنیا مشترک است. در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۴ این سه کشور سازمان شیلات دریاچه ویکتوریا را تأسیس نمودند. این سازمان به عنوان یک سازمان بین‌المللی با یک وضعیت حقوقی مستقل به‌شمار می‌رود که هدف، ارتقای مدیریت مؤثر و استفاده بهینه از شیلات و سایر منابع دریاچه می‌باشد. شورای وزرا به عنوان یکی از اجزای این نهاد، برنامه منطقه‌ای اقدام برای پیشگیری و مبارزه با ماهیگیری غیرقانونی را به تصویب رساند. هدف اصلی، تضمین تطبیق با قوانین مرتبط با ماهیگیری، کنترل و نظارت است. این برنامه از مکانیزمی دقیق برای حل و فصل اختلافات برخوردار است. اگر اختلافی میان طرف‌های اختلاف به طریق مذاکره حل و فصل نگردد، هر یک از طرف‌ها می‌تواند اختلاف را به داوری ارجاع دهد که هر یک داوری تعیین، سپس دو نفر تعیین شده نفر سوم را به عنوان سرداور انتخاب می‌کنند. اگر هیچ یک از داوران در زمان تعیین شده منصوب نگردد، رئیس شورای وزرا داوران را تعیین می‌نماید (Scheumann and Neubert, Op.cit., pp. 53-56). بنابراین، روش داوری به عنوان شیوه‌ای حقوقی در صدد تکمیل روش‌های غیرحقوقی حل و فصل اختلاف همچون مذاکره برمی‌آید.

۴. نتیجه

اهمیت منابع آبی به‌ویژه آب‌های مشترک بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که کشورها این حوزه را جولانگاه وسیعی برای رقابت قرارداده‌اند، بنابراین از اختلافات احتمالی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. استراتژی‌های کشورهای در خصوص مدیریت این منابع آبی مشترک متناسب با شرایط اقلیمی، اجتماعی و سیاسی در قالب اسناد و رویه‌های اجرایی و قضایی بروز یافته‌است.

استراتژی اتحادیه اروپا برای مدیریت منابع آب در ابعاد ملی و بین‌المللی آن است که کلیه منابع آبی را به عنوان جزئی از اکوسیستم طبیعی تلقی می‌کند که به‌گونه‌ای یکپارچه باید مدیریت شوند؛ زیرا در این صورت منابع آبی به لحاظ کمی و کیفی به نحو بهینه و منصفانه‌ای مدیریت و ذخایر منابع آبی حفظ می‌شوند. در صورت حفظ حجم ذخایر منابع آب، از وقوع چالش میان کشورهای مقابل یا مجاور یک آبراهه مشترک کاسته می‌شود. همچنین، تأسیس کمیسیون‌های مشترک برای مدیریت منابع آبی موجود در آبراهه‌ها منجر به کاهش وقوع نزاع و چالش میان کشورهای مقابل یا مجاور آبراهه‌های مشترک خواهد شد؛ زیرا هرچه رودخانه‌های مشترک به طرز معقول و منصفانه‌تری

مدیریت گردند و تمهیدات بهتری برای آنها اندیشیده شود، منابع آبی به نحو بهتری حفظ می شوند. بنابراین، چالش کمتری در خصوص منابع آبی مشترک پدیدمی آید.

در آفریقا نیز بسیاری از آبراهه ها و رودخانه ها به دلیل عدم مدیریت یا سوء مدیریت بالاترین هزینه ها را دارند، لذا مدیریت صحیح و منصفانه می تواند قسمت اعظمی از منابع آب را به نحو صحیحی به کارگیرد و از هدررفت آن پیشگیری نماید. با وجود این، هنوز در حوزه مدیریت منابع آبی مشترک در آفریقا ناکامی به چشم می خورد. این ناکامی معلولی از عدم به کارگیری صحیح اصل استفاده معقول و منصفانه در متن موافقتنامه های حقوقی دو یا چندجانبه و آراء صادره و یا طرح های عملیاتی است؛ زیرا ممکن است در متن اسناد و یا رویه های مذکور روشی برای بهره برداری منابع آبی مشترک به شیوه ای منصفانه تدبیر شده باشد؛ اما شیوه ای برای نحوه استفاده و بهره برداری از این منابع به روشی معقول و منطقی پیش بینی نشده باشد؛ زیرا این منطقه با معضل کمبود آب مواجه نیست؛ بلکه چالش حائز اهمیت، نحوه به کارگیری منابع موجود است تا به گونه ای ضمن برآورده ساختن نیاز نسل های فعلی بتواند نیاز نسل های آینده را نیز تأمین نماید. وجود اسناد و رویه های اجرایی و قضایی، مستند صحیحی در خصوص عملکرد کشورهای منطقه بوده که در مقایسه با اروپا از انسجام و جامعیت بسیار کمتری برخوردار است؛ زیرا فقدان معاهده ای جامع و انعقاد موافقتنامه های دو یا چندجانبه و در نتیجه تأسیس نهادهای آبی متعدد، منجر به تشتت آراء خواهد گردید. اگرچه این نهادها اصولی همچون انصاف، احتیاط و منع ورود آسیب را مدنظر قرار داده اند و اختلافات موجود را از طریق نهادهای آبی و داوری و قضایی حل و فصل نموده اند؛ اما فقدان رویه ای یکسان مسئله بهره برداری منابع آبی مشترک را به شکست منتهی خواهد نمود؛ درحالی که وجود معاهده ای جامع همانند دستورالعمل چارچوب آب اتحادیه اروپا با ایجاد رویه ای یکسان مولد موافقتنامه های دو یا چندجانبه متعددی شده که این امر از بروز بسیاری از اختلافات پیشگیری می نماید. در مقابل، علیرغم انتقادات وارده به آفریقا، این منطقه نسبت به گذشته در زمینه مدیریت منابع آبی مشترک و تخصیص این منابع توانسته به نحو بهتر و سازمان یافته تری اقدام نماید.

در آسیا برخی اسناد مورد بررسی قرار گرفته که اصل منع ورود آسیب، همکاری متقابل میان کشورها در قالب نهادهای رودخانه ای، اصول تساوی و تناسب و معیار توجه به نیازهای اساسی و حیاتی هر یک از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، برخی اقدامات عملیاتی در منطقه آسیای شرقی، مرکزی و جنوبی برای مدیریت بهینه این منابع با تمرکز بر نیازهای اساسی و حیاتی هر یک از کشورها، ویژگی های اکولوژیکی و اقلیمی و ابعاد حقوقی، فنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی انجام گرفته است.

در آمریکا نیز با تحلیل مجموعه ای از اسناد، اصل بهره برداری منطقی از منابع آبی مشترک در مفهوم

عدم ورود آسیب مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم بهره‌برداری منطقی از منابع آبی بسیار موسع است؛ بنابراین، باید به نحوی حدود و ثغور آن را تعیین نمود. منع ورود آسیب به دیگری به عنوان قیدی مشخص حدود استفاده منطقی از منابع آبی را مشخص می‌سازد. همچنین، تحقق همکاری در قالب موافقتنامه‌های حقوقی می‌تواند زمینه انجام تعهدات و انتساب مسئولیت را فراهم نماید که ایجاد یک چهارچوب معاهداتی جامع به عنوان سندی مادر می‌تواند زمینه انعقاد موافقتنامه‌های آینده را میان کشورهای منطقه ایجاد کند؛ به گونه‌ای که الگویی کلی برای انعقاد موافقتنامه‌های حقوقی میان کشورها در زمینه حقوق آب و نحو تقسیم منافع واقع در آن را به نحوی شفاف و منصفانه فراهم نماید.

در پرونده‌های قضایی واقع در آمریکا نیز اصل تساوی در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک به عنوان اصلی مهم است که هنگامی اعمال می‌گردد که راهکاری دیگر برای بهره‌برداری وجود نداشته باشد؛ زیرا اصل تناسب در مقایسه با اصل تساوی درجاییکه دلیل مشخصی برای اعمال آن وجود داشته باشد، در الویت قرار می‌گیرد. برای اجرای این اصل، معیارهای گوناگونی از جمله جمعیت، نیازهای اولیه و حتی اضطرار لحاظ می‌گردد. همچنین، تأسیس نهادهای رودخانه‌ای که به طور تخصصی عهده‌دار مسائل مربوط به بهره‌برداری منابع آبی مشترک و پیشگیری از وقوع نزاع می‌گردد، بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین، تمامی این مناطق طی اسناد و رویه‌های اجرایی به اصولی مانند منع ورود آسیب، استفاده معقول و منصفانه، احتیاط و اقدام پیشگیرانه پایبند بوده‌اند. تأسیس نهادهای رودخانه‌ای نیز برای مدیریت تخصصی تر این آب‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ اما اروپا در مقایسه با سایر مناطق از انسجام و پختگی بهتری در بحث مدیریت منابع آب برخوردار بوده و این به دلیل رویکرد یکپارچگی است که این منطقه در اسناد و رویه اجرایی و قضایی در خصوص تمامی منابع آب اتخاذ نموده و تمامی منابع آبی مشترک را به منزله یک منبع آبی واحد در نظر داشته است؛ به گونه‌ای که ورود آسیب به یکی از منابع آبی را به منزله ورود آسیب به سایر منابع آبی مشترک تلقی نموده و سیاست‌های جدی تری را در امر مدیریت منابع آبی مشترک بروز داده است.

به این ترتیب با توجه به تحلیل‌های حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی که در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک صورت پذیرفته، از جمله آسیب‌شناسی‌های حقوقی و بالتبع راهکارهایی که می‌توان در حل و فصل اختلافات میان ایران با همسایگان در راستای بهره‌برداری از آب‌های مشترک ارائه کرد، به شرح ذیل مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد:

۱- طرح یک اختلاف در سطح محلی معمولاً منجر به عدم حل و فصل حرفه‌ای اختلاف خواهد شد که این امر می‌تواند تبعات مختلفی از بعد حقوقی در پی داشته باشد؛ در مقابل، اصولاً طرح یک اختلاف در سطح مراجع حقوقی بین‌المللی منجر به حل و فصل حرفه‌ای اختلاف خواهد گردید که

بالتبع توسل به این شیوه ابعاد حقوقی مختلف قضیه را به نحو منصفانه‌ای لحاظ خواهد کرد. برای مثال، تغییر اختلاف از سطح محلی به سطح بین‌المللی در جریان ارتباط و کشمکش میان ایران و افغانستان دیده شده است. در سال ۱۲۵۱ هجری شمسی برای نخستین بار معضل میان ایران و افغانستان در سطح بین‌المللی مطرح گردید و از انگلستان خواسته شد تا داوری اختلاف میان ایران و افغانستان را در خصوص مالکیت منطقه سیستان برعهده بگیرد. با ایجاد مرز بین‌المللی معضل تقسیم آب دلتا از روستاها و مراجع محلی به سطح دولت‌های دو کشور منتقل گردید. سرلشکر فردریک گلداسمید^۱ در رأی داوری خود که در سال ۱۲۵۱ هجری شمسی در تهران صادر نمود، اعلام کرد که هرگونه فعالیت از جانب طرفین که در تأمین نیازهای آبی در سواحل هیرمند تداخل ایجاد نماید، ممنوع می‌باشد. به این ترتیب، کشورها از ورود آسیب به یکدیگر باید اجتناب ورزند.

۲- در صورت عدم حل و فصل اختلاف از طریق مذاکره و مساعی جمیله، توسل به داوری از شیوه‌های حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز در سطح بین‌المللی می‌باشد. برای مثال، در معاهده ۱۳۵۲ در خصوص اختلاف میان ایران و افغانستان در مورد نحوه بهره‌برداری از آب رودخانه هیرمند این شیوه مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. بنابراین براساس اصول و قواعد عام حاکم بر آبراهه‌های مرزگذر و نیز قواعد خاص حاکم بر نحوه استفاده از آب هیرمند، افغانستان نمی‌تواند دست به اقداماتی بزند که ایران را از حقایق محروم سازد. در غیر این صورت، مسئولیت بین‌المللی برای دولت افغانستان پدید می‌آید و می‌توان از طریق میانجیگری مورد حل و فصل قرار داد و یا در مراجع قضایی و داوری بین‌المللی ادعای مذکور را پیگیری نمود.

۳- انعقاد موافقتنامه‌هایی با شیوه‌هایی پویا و متناسب با شرایط، اوضاع و احوال موجود میان کشورها می‌تواند پاسخی در برابر اکثر موقعیت‌هایی باشد که کشورها با آن مواجه هستند که نتیجه، این امر از بروز اختلافات میان کشورها و ورود آسیب به هر یک از آنها می‌کاهد؛ درحالی‌که موافقتنامه‌هایی که به تخصیص منابع آبی مشترک اختصاص یافته‌اند، غالباً روش‌های ثابتی را برای مدیریت این منابع آبی دارند که این روش‌ها از ظرفیت محدودی برای تطبیق با تغییراتی که حادث می‌شوند، برخوردارند و نمی‌توانند راهکاری مناسب در برابر تمامی اختلافاتی که مطرح می‌گردد، ارائه کنند. بنابراین، ایران در ارتباط با همسایگان خود هنگام انعقاد موافقتنامه‌ها باید کلیه جنبه‌های حقوقی را مدنظر قرار دهد و در این مسیر از کارشناسانی خبره بهره‌گیری نماید؛ به‌گونه‌ای که اسناد حقوقی مذکور به نحوی تدوین شوند که دارای انعطاف‌پذیری لازم باشند و بتوان آنها را با توجه به شرایط و موقعیت‌های زمانی گوناگون تفسیر و اعمال کرد.

1. Frederic John Goldsmid

۴- ایجاد نهادهای مشترک میان کشورهای واقع در حوزه‌های آبخیز مانند کمیسیون‌های فنی مشترک می‌تواند بسیاری از اختلافات را به صورت درون‌سازمانی حل و فصل نماید. این امر منجر به افزایش سرعت و کاهش هزینه از یکسو و کاهش تورم پرونده‌های قضایی نزد مراجع حقوقی بین‌المللی از سوی دیگر خواهد گردید. برای مثال، کمیسیون دائمی فنی مشترک براساس موافقتنامه راجع به بهره‌برداری از آب رودخانه‌های مرزی میان ایران و عراق مصوب سال ۱۹۷۵ تأسیس شد تا در خصوص رودخانه‌های مرزی مطالعه نماید و اختلافات را براساس شیوه تساوی و اصل استفاده معقول و منصفانه حل و فصل و سهم هر یک از دو کشور مذکور را تعیین نماید.

۵- پرهیز از موضع منفعلانه در برابر یکجانبه‌گرایی‌های همسایگان از سوی دولت ایران در ارتباط با بهره‌برداری از آب‌های مشترک می‌تواند بسیار سازنده باشد؛ بنابراین انجام مذاکرات جدی و سازنده در چنین موقعیت‌هایی می‌تواند ضمن روشن نمودن مواضع هر یک از دولت‌ها از بروز یکجانبه‌گرایی‌ها جلوگیری نماید. برای مثال، انجام طرح گاپ از سوی ترکیه و وقوع سدسازی‌های بی‌رویه با یکجانبه‌گرایی و نقض اصل منع ورود آسیب از سوی این دولت منجر به کاهش حجم ورودی آب به کشورهای همسایه ایران و عراق گردیده که این امر تبعاتی منفی از جمله وقوع ریزگردها را در ایران و عراق در پی داشته است. چنین اقداماتی را می‌توان نوعی «تروریسم آبی» به شمار آورد؛ زیرا این قسم از رفتار دولت ترکیه دربرگیرنده سه مؤلفه نقض مقررات حقوق بین‌الملل، ارعاب عمومی و انگیزه‌های سیاسی می‌باشد. به این ترتیب، در روابط میان ایران و ترکیه نیز تروریسم در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک نمود یافته که موضع ایران در برابر این رویداد بسیار منفعلانه بوده است؛ درحالی‌که می‌توانست با انجام مذاکراتی مصرانه و مستمر و حتی درخواست میانجی از سایر کشورها به نحو جدی‌تری در صحنه بین‌المللی نسبت به این اقدام از سوی ترکیه موضع خود را روشن نماید.

۶- ایجاد ضمانت‌اجراهایی مناسب برای موافقت‌نامه‌های حقوقی در صورت تخلف از مفاد مقرر در آنها می‌تواند تضمینی مناسب برای رعایت مفاد مقرر در موافقت‌نامه‌های مذکور باشد. هنگامی ضمانت‌اجرای مذکور واجد اثر خواهد بود که بتوان شیوه‌های مناسبی را جهت حل و فصل اختلاف در متن موافقت‌نامه مورد پیش‌بینی قرار داد. در غیر این صورت، موافقت‌نامه‌های حقوقی جنبه حقوقی خود را از دست می‌دهند و در حد یک موافقت‌نامه نزاکتی تنزل می‌یابند. برای مثال، علیرغم تصویب قراردادهای پروتکل‌هایی میان ایران و ترکیه برای بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، شیوه حل و فصل اختلاف میان این دو کشور مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است که این امر منجر به انجام اقدامات یکجانبه‌بی‌رویه‌ای از سوی ترکیه در قبال همسایگان آن شده است.

۷- مدنظر قراردادن مواضع سیاسی طرف‌های درگیر، پیشگیری، حفظ یکپارچگی، تحقق همکاری

و دارا بودن رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به ظرفیت‌های موجود از راهکارهای حقوقی اثربخش در حقوق بین‌الملل است که در خصوص اختلافات میان ایران با همسایگان در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

توجه به آسیب‌شناسی‌ها و راهکارهای حقوقی مذکور هنگامی امکان‌پذیر است که هر یک از دولت‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در صحنه بین‌المللی به این رویکرد دست یابد که آسیب به دیگری در نهایت آسیب به خود تلقی می‌گردد و منافع تمامی آنها به‌عنوان یک کل در هم تنیده شده است. درحقیقت، همگرایی دولت‌های منطقه خاورمیانه به مفهوم همسویی دولت‌های تأثیرگذار در منطقه است. اگر هدف اصلی «قدرتمندی منطقه» به جای «قدرتمندی در منطقه» باشد، می‌توان از بسیاری از تنش‌ها و درگیری‌ها پیشگیری کرد. این کشورها به دلیل موقعیت‌های استراتژیک، منابع طبیعی، اشتراکات و پیوندهای تاریخی-فرهنگی، ساختار جمعیتی و اتحادیه‌های بین‌المللی دارای نقاط مشترک فراوانی هستند که همه این موارد را می‌توان در عوامل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خلاصه کرد. تحقق این «همگرایی» به جای «واگرایی» میان قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه از جمله در روابط میان ایران با همسایگان درخصوص تخصیص منابع آبی مشترک می‌تواند از موجبات هر چه بیشتر اتحاد در منطقه خاورمیانه تلقی گردد.

برای تحقق کامل همگرایی در سطح منطقه، بین‌المللی و حتی جهانی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، وجود سیستم نظارتی دقیق و مکانیزه که قادر باشد تمامی ملاحظات مربوط به آب‌های مشترک را بدون دخالت تعصبات و نظرات شخصی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد، خالی به چشم می‌خورد؛ زیرا این سیستم نظارتی در چارچوب هوش مصنوعی با انواعی که دارد، اگر به نحو صحیحی در این خصوص دخیل شود، می‌تواند از بروز بسیاری از اختلافات پیشگیری نماید که این امر را شاید بتوان در گرو پیاده‌سازی تکنولوژی مربوط به هوش مصنوعی و همچنین، تهیه پیش‌نویس و سپس معاهدات و موافقتنامه‌های ناظر بر سیستم هوش مصنوعی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک قرار داد که به این ترتیب، می‌توان میزان تعمد، تقصیر و خطا را در این خصوص به حداقل میزان ممکن کاهش داد و یا حتی به صفر رساند.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

– مقالات

۱. امینی، اعظم؛ عابدی، محمد و نساری، الناز (۱۴۰۲). «اصول شکلی حاکم بر بهره‌برداری از حوضه دجله و فرات»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲)، صص ۹۹-۱۲۹.

۲. زمانی، سید قاسم و برلیان، پویا (۱۴۰۱). «مفهوم و قلمرو اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۴(۷۵)، صص ۴۴-۹.
۳. شهبابی، مهدی (۱۴۰۱). «حقوق طبیعی مونتسکیو: تأملی بر نسبت متافیزیک و واقعیت در اندیشه حقوق طبیعی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، ۲۶(۲)، صص ۹۷-۷۵.
۴. شیروی، عبدالحسین و مرضیه نیکویی (۱۳۹۶). «تحلیل ماهیت قرارداد توزیع بین‌المللی و وضعیت آن در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۸۴، صص ۴۳-۷۰.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Newton, J. (2007). *Hydro political vulnerability and Resilience along international waters-Latin America and the Caribbean*, Kenya, UNEP.
2. Turton et al., (2004). *A hydro political history of South Africa's international river basins*, Pretoria, water research commission.
3. United Nations Economic Commission for Europe. (2021). *handbook on water allocation in a transboundary context*, Geneva, United Nations.
4. Waltina, S., & Susanne, N. (2006). *Transboundary water management in Africa*, Germen, development Institute.

B) Articles

5. Arthington, A.H. et al. (2018). "The Brisbane declaration and global action agenda on environmental flows", *Frontiers in environmental science*, 6(45), pp. 1-16.
6. Terencer, L. (1995). "The management of shared Water resources in Latin America", *natural resources journal*, No. 35, pp. 541-553.

C) Online Resources

7. Neir, A.M., Klise, G.T., & Campana, M.E. (2009). The concept of vulnerability as applied to North America, available at: <https://www.unep.org/dewa/Portals/67/pdf/NorthAmerica.pdf> (last visited on 21 May 2023).
8. Kanwar, S., Gupta, A.D., & Newton, J. (2009). Background on the concepts of vulnerability and resilience as applied to the South and Southeast Asian region. In: UNEP (2009): *Hydro political Vulnerability and Resilience along International Waters - Asia*, available at: <https://www.unep.org/dewa/Portals/67/pdf/asia.pdf> (last visited on 1 July 2023).
9. Bordes, M., Luis, J., Aureli, A., Stephan, R., Kukuric, N., Zavadsky, I., & Vargas Amelin, E., (2012). The handbook for integrated water resources management in transboundary basins of rivers, lakes and aquifers, available at: <https://www.GWP.org> (last visited on 11 January 2021)
10. Wouters, P. (2015). Enhancing China's Transboundary Water Cooperation –What role for the UNECE Water Convention? Available at:

- <https://www.semanticscholar.org/paper/Enhancing-China%E2%80%99s-Transboundary-Water-Cooperation-%E2%80%93-Wouters/4ff62c336e72bc00c62d1e32773c7ccd14451909> (last visited on 1 July 2023)
11. Baranyai, G. (2015). Transboundary water cooperation in the European Union: a hydro-political gap assessment, available at: https://waterquality.danube-region.eu/wp-content/uploads/sites/13/sites/13/2019/09/BG_Transboundary_Water_Cooperation_CONF_BY_DANUBE_STRAT.pdf (last visited on 1 July 2023)
 12. Salm, D., (2018). EU environmental and planning law aspects of large-scale projects, Chapter 10-the case for smart government in European water law, available at: <https://www.cambridge.org/core/books/abs/eu-environmental> (last visited on 2 February 2023).
 13. Vishwanath, A. (2018). Paddling upstream: transboundary water politics in south Asia, available at: https://carnegieendowment.org/files/Viashwanath_GBM_Basin_October_2018.pdf. (last visited on 25 May 2023).
 14. MFAT. (2018). The History of IFAS Creation, Ministry of Foreign Affairs of Turkmenistan, available at: <https://www.mfa.gov.tm/en/articles/56?breadcrumbs=no&title=aral> (last visited on 1 July 2023).
 15. European parliament. (2023). annual report on implementation of the common foreign and security policy, available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2023/739295/EPRS_ATA\(2023\)739295_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2023/739295/EPRS_ATA(2023)739295_EN.pdf) (last visited on 13 February 2023)
 16. European Parliament, “UN Sustainable Development Goal 6 On Clean Water And Sanitation (SDG 6)”, (2023), Available At: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2023/751404/EPRS_BRI\(2023\)751404_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2023/751404/EPRS_BRI(2023)751404_EN.pdf), last visited September 24, 2023.
 17. BMUV, “Water Protection Policy In Germany”, (2023), Available At: <https://www.bmuv.de/en/topics/water-resources-waste/water/water-management/policy-goals-and-instruments/water-protection-policy-in-germany>, Last Visited April 5, 2023.

D) Documents

18. Agreement between Finland and Sweden Concerning Transboundary Rivers, (2010).
19. Agreement between The Government of the Republic of Kazakhstan and The Government of the Kyrgyz Republic On the Use of Water and Energy Resources of the Naryn – Syr Darya Cascade of Reservoirs in (2000).
20. Berlin Rules, (2004).
21. Bilateral agreement between Namibia and South Africa regarding the Orange River, (1986)
22. Declaration of Montevideo concerning the industrial and agricultural use of international rivers, (on 24 December 1933).

23. Directive 2000/60/EC of the European Parliament and the Council establishing a framework for Community action in the field of water policy (OJ L 327/1 of 22.12.2000), as amended by Decision 2455/2001/EC of the European Parliament and the Council establishing the list of priority substances in the field of water policy (2001).
24. European Council, concerning the quality required of surface water intended for the abstraction of drinking water in the Member States, Directive, (16 June 1975).
25. Helsinki Rules, (1966).
26. LHWP Treaty, (1986).
27. the Afghan-Iranian Helmand-river water treaty, 13 March 1973.
28. The Agreement Almaty, (1992).
29. The Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, commonly referred to as the UN Watercourses Convention, is an international treaty, adopted by the United Nations on (1997).
30. The Rio de la Plata, (1969).
31. The Convention on the Protection of the Marine Environment of the Baltic Sea Area (Helsinki convention), (1992).
32. Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU), (1958).
33. Zamcom Agreement (2004).
34. ZRA Agreement, (1987).

E) Awards

35. ECJ, the case of Commission V. Germany, Judgment, 8 May 1991.
36. ECJ, the case of Deutscher Naturschutzring—Dachverband der deutschen Natur- und Umweltschutzverbände eV V. Bundesrepublik Deutschland, judgement, 13 June 2018.
37. The Supreme Court of Argentina, the case of La Pampa vs. Mendoza, Judgment, 3 December 1987.
38. U.S. Supreme Court, the case of Myoming V. Colorado, Judgement, 5 June 1922.